

اِقْرَأْ بِرَبِّكَ

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ مَرِيعٌ لَمَعُ

مبعث: تجلی اعظم الهی است/ تأثیر بعثت نبوی بر تمدن بشری

فرازی از دعای شب مبعث بر این حقیقت اشاره دارد که مبعث تجلی اعظم الهی است و بزرگان بر این باورند که شاید این تجلی اعظم، حقیقت و باطن قرآن باشد.

فرازی از دعای شب مبعث بر این حقیقت اشاره دارد که مبعث تجلی اعظم الهی است و بزرگان بر این باورند که شاید این تجلی اعظم، حقیقت و باطن قرآن باشد. دین اسلام اعیادی را معین کرده و توصیه ها و دستوراتی در مورد آنها دارد. به عنوان مثال فطر، قربان، غدیر، جمعه، مبعث نبی اکرم(ص) و میلاد ائمه(ع) را عید قلمداد می کند. حال سوال این است که این ایام چرا عید نامیده می شود؛ چه اتفاقی می افتد و چرا در مبعث و یا در غدیر یا فطر و قربان عید می گیریم؟ چرا هر هفته یک عید به نام جمعه داریم و خدای متعال آن روز را برای ما عید قرار داده است؛ مگر چه اتفاقی می افتد؟ عید یک باطنی دارد که آن باطن، در روز دیگری وجود ندارد. مثلاً شب جمعه با روزهای دیگر فرق می کند؛ درهای آسمانی در شب جمعه باز است و خیلی برکات برای سحر جمعه نقل شده است که در مورد روزهای دیگر چنین نقل هایی نداریم.

اعیاد یک حقیقت و باطنی دارند؛ آن باطن هم این است که یک دری به سوی عالم بالا باز شده است و خدای متعال یک ابواب یا یک باب را به سوی رحمت خودش و خیرات و معرفت و محبت باز کرده است و می گوید شما مسلمانان؛ها عید بگیرید و خوشحال باشید.

آیت الله میرباقری در این مورد می گوید: «اعیاد یک حقیقت و باطنی دارند؛ آن باطن هم این است که یک دری به سوی عالم بالا باز شده است و خدای متعال یک ابواب یا یک باب را به سوی رحمت خودش و خیرات و معرفت و محبت باز کرده است و می گوید شما مسلمانان؛ها عید بگیرید و خوشحال باشید...» و می دهم: مثلاً گفته شده که غدیر عید شماسست؛ زیرا روزی است که درهای ولایت امیرالمؤمنین(ع) به دست وجود مقدس رسول الله(ص) گشوده شد و حضرت از جمال امیرالمؤمنین(ع) در عالم و حقیقت ولایت ایشان در عالم پرده زدن و آن روز را جشن می گیریم؛ و یا می فرمایند روزی که آن تجلی اعظم الهی یعنی بعثت نبی اکرم(ص) واقع شد، شما جشن بگیرید؛ یا آن روزی که یک حقیقتی از عالم بالا می آید و نوری نازل می شود و امامی متولد می شود؛ شما جشن بگیرید. پس عیدی که اسلام برای ما قرار داده چنین است که حتماً یک دری به روی عالم غیب باز شده و باید مطمئن باشیم والا خدای متعال نمی فرمود بروید و جشن بگیرید.»

یکی از اعیادی که توصیه زیادی در بزرگداشت آن شده است عید مبعث است که از آن به عنوان تجلی اعظم الهی در روایات یاد شده است.

در باب میلاد نبی اکرم(ص) در زیارت از راه دور ایشان هم آمده است: «يَا مَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وَلَدَيْهِ ظُلْمَ الْأَسْتَارِ وَ أَلْبَسْتَ حَرَمَكَ فِيهِ حُلَّ الْأَنْوَارِ»؛ با میلاد حضرت حجاب های ظلمت برداشته شده است و بر حرم الهی، حله هایی از نور پوشیده شده است. اما در باب مبعث حضرت، آمده است: «يَا تَجَلَّى الْأَعْظَمُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ»؛ تجلی اعظم الهی در آن شب بر عالم ما واقع شده است.

آیت الله میرباقری در مورد بزرگداشت هرساله مبعث می گوید: «این که هر سال تکرار می شود یک شعاعی از آن تجلی و یک واقعیتی تکرار می شود؛ نه اینکه واقعاً یکبار بوده و ما یادبود آن سال را بگیریم. بحث این است که آن اتفاقی که افتاده، مکرراً یک تجلی پیدا می کند.»

بزرگترین نعمت الهی، بعثت نبی اکرم است و خدای متعال منتی به عظمت نعمت و منت نبی اکرم(ص) بر بندگانش ندارد «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ یعنی خداوند بر مؤمنین منت گذاشت

وی می افزاید: «بزرگترین نعمت الهی، بعثت نبی اکرم است و خدای متعال منتی به عظمت نعمت و منت نبی اکرم(ص) بر بندگانش ندارد «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ یعنی خداوند بر مؤمنین منت گذاشت. نعمت وقتی بزرگ و با عظمت باشد از او تعبیر به «مَنْ» می شود. زمانیکه خدای

متعال پیامبر گرامی اسلام را از بین خودشان مبعوث کرد، نعمت بزرگی را به مؤمنین عطا فرمود.» آیت الله میرباقری با بیان این که روزی بزرگتر از مبعث وجود ندارد، با اشاره به فرازی از دعای شب مبعث یعنی «و بالتجلی الاعظم فی هذه الليلة من الشهر المعظم» می گوید: «شاید این «تجلی الاعظم»؛

حقیقت قرآن و باطن قرآن باشد «لقد تجلی الله لخلقه فی کلامه و لكن لا یبصرون»؛ حضرت فرمود خدای متعال در قرآن تجلی کرده، اما شما چشم ندارید؛ اگر چشمتان باز می شد تجلیات الهی را در کتاب می دیدید. این تجلی بر قلب نبی اکرم وارد شد و همه حکمت را خدا به این پیغمبر داد و از شبی که مبعوث شد خداوند دستور داد که شما مدینه حکمت هستی، برو و حکمت را به مردم برسان و مردم را حکیم کن.»

است که قرآن می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ یعنی پیامبر بناست کتاب و حکمت را به مردم بیاموزد. آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید: «شاخص و ترین تأثیر بعثت نبوی بر تمدن بشری همانا احیای آن به نفخ

روح معنویت و پرستش خدا و پرهیز از بت هوا است. از بارزترین تأثیر بعثت نبوی بر فرهنگ و تمدن، گسترش دانش در جوامع بشری است. خداوند سبحان رسول اعظم(ص) خود را معلّم کتاب و حکمت معرفی فرمود: *وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ*; و حضرت رسول(ص) فراگیری علم را لازم دانست و فنون گوناگون دانش لازم را بیان نمود: *أَنَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ وَ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ وَ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ*; و تمام علوم، از عقاید، اخلاق، فقه، حقوق و فنون ضروری و سودمند جامعه را در این مثلث به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تعبیه فرمود و خود را به عنوان مدینه علم معرفی کرد: *أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا*; و با چنین تعریفی می‌توان از آن حضرت به مدائن العلوم یاد کرد.

یکی از اعمالی که در روز مبعث وارد شده است و نشانه حقایقی در باطن آن است این است که مبعث روز زیارت مخصوص امیرالمومنین است. آیت الله میرباقری دلیل این امر را اینگونه می‌خواند: *روز مبعث، روز زیارت مخصوص امیرالمومنین هم هست؛ شاید به این دلیل باشد که چون درهای حکمت امروز باز شده است؛ تا امروز راه رسیدن به حکمت نبی اکرم در این عالم بسته بود؛ البته انبیاء در عالم ارواح شاگرد پیغمبر بودند و از پیامبر حکمت گرفتند؛ ملائکه و جبرئیل و میکائیل در مقام عرش از نبی اکرم حکمت یاد می‌گرفتند؛ ولی برای ما زمینی‌ها باب حکمت نبی اکرم امروز باز شده است؛ امروز می‌توانیم با نبی اکرم رشد پیدا کنیم. امروز است که نور نبی اکرم در خانه نبی اکرم و در عالم دنیا آمده است و عالم دنیا را نورانی کرده؛ پس از امروز می‌شود وارد خانه نبی اکرم شد. حالا ما که می‌خواهیم وارد خانه حضرت بشویم، باید از کجا وارد بشویم؟* *أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلَى بَابِهَا*; در روز بعثت در باز شده و می‌شود وارد بیت النبوة بشویم؛ ولی باید از باب امیر المومنین وارد بشویم، راه‌های دیگر بسته است؛ روز بعثت نبی اکرم روز زیارت مخصوص امیرالمومنین است.

ما که می‌خواهیم وارد خانه حضرت بشویم، باید از کجا وارد بشویم؟ *أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلَى بَابِهَا*; در روز بعثت در باز شده و می‌شود وارد بیت النبوة بشویم؛ ولی باید از باب امیر المومنین وارد بشویم، راه‌های دیگر بسته است؛ روز بعثت نبی اکرم روز زیارت مخصوص امیرالمومنین است. لذا شب بعثت هم یک شب بوده که تجلی اعظم شده اما هر سال شب بعثت و روز بیست و هفتم یک شعاعی از آن تجلی در عالم می‌افتد. اگر در این روز یک نوری از نبی اکرم در قلب انسان بیفتد *تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ*; خواهد شد. لذا طبق این حدیث *أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا*; اگر روز بعثت نبی اکرم، نور نبی اکرم در عالم آمده و هر سال هم تکرار می‌شود و اگر می‌خواهیم از این نور برخوردار شویم باید از طریق امیر المومنین وارد شویم. اگر در مبعث، نور نبوت نبی اکرم در عالم ظهور پیدا کرد و حقیقت قرآن تجلی کرد و اگر می‌خواهیم به آن حقیقت قرآن و به آن حقیقت حکمت برسیم، باید از باب امیرالمومنین وارد شویم.

یکی از مسائلی که در باب مبعث قابل توجه است و تأمل دوباره در مورد آن خالی از لطف نیست، نگاهی به آیات ابتدایی سوره علق است که بر پیامبر نازل شد. نظر مرحوم علامه طباطبایی در مورد فراز اول این سوره این است که کلمه *اقْرَأْ*; که در آغاز وحی به نبی اکرم(ص) گفته می‌شود، به معنای دستور به تلقی و دریافت وحی است. وحی امر عظیم و بسیار مهمی است و قرار است با این وحی، عالم راهبری شود. خداوند با دستور *اقْرَأْ*; به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که آماده دریافت وحی باشد. این برداشت از کلمه *اقْرَأْ*; به این خاطر است که قرائت به معنای جمع کردن حروف و کلمات با هم می‌باشد و به هر خواندنی قرائت گفته می‌شود، خواه در ذهن بخواند، خواه به لفظ آوره و تلفظ شود و خواه اینکه شخصی کتابی را قرائت کند و به سمع دیگران برساند که این نوع از قرائت قرائتی خاص می‌باشد و از آن به تلاوت هم یاد می‌شود. اینکه خداوند متعال می‌فرماید: *يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ*; یعنی کلمات الهی را به گونه‌ای تلفظ می‌کند که دیگران هم بشنوند.

آیت الله میرباقری در این باره توضیح می‌دهد: *در رابطه کلمه اَقْرَأْ؛ نظر علامه طباطبایی این است که این اَقْرَأْ در آغاز وحی، دستور به خواندن قرآن برای دیگران نیست. درست است که خداوند دستور داده تا پیامبر اکرم قرآن را برای مردم تلاوت کند که فرمود: لِيَتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ؛ اما این دستور در آغاز وحی به معنای قرائت و تلفظ بر مردم نیست. بنابراین قرائت به معنای تلقی وحی است و در این آیه شریفه به این معناست کتابی که به شما عطاء می‌شود را بخوان و تلقی کن. گویا با خواندن، وحی در حضرت محقق می‌شود. در این آیه می‌فرماید: اَقْرَأْ؛ یعنی این قرآن را بخوان و تلقی کن که شاید منظور از اَقْرَأْ؛ بِالتَّجَلِّيِّ الْعَظَمِ؛ فی هذه الليلة؛ که در دعای شب مبعث آمده است، همین تنزل حقیقت قرآن و روحی است که بر وجود مقدس نبی اکرم(ص) نازل شده است. این مرحله تلقی وحی و مبعوث شدن نبی اکرم(ص)، مرحله جدیدی از حضور حضرت در عالم است.*

خداوند متعال در ابتدای این فراز می‌فرماید: *اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ*; یعنی ای پیامبر وقتی می‌خواهی وحی را بخوانی و تلقی کنی، با استعانت از اسم پروردگارت آن را دریافت کن. آیت الله میرباقری در این باره ادامه می‌دهد: *علامه طباطبایی فراز اول را اینگونه معنا می‌کنند که خداوند به پیامبری دستور به تلقی وحی می‌دهد که به حسب ظاهر مکتب نرفته و استاد ندیده و قرار است معلّم کل شود و در این عالم، وحی الهی را که جامع و مهیمن وحی تمام انبیاء است دریافت کند. بیان علامه طباطبایی در این رابطه این است که گویا ممکن است دشوار به نظر بیاید پیامبری که به مکتب نرفته و استاد ندیده، کتابی را که در بر دارنده تمام حقایق است دریافت کند. به همین خاطر خداوند اینگونه به پیامبر خطاب می‌کند و امیدواری می‌دهد آن خدایی که این انسان را از آن راه دور آورد و به او که از خون بسته‌ای آفریده شده بود، تعلیم بالقلم*

کرد؛ این خدای متعال می تواند به شما وحی را القاء کند بنابراین شما نگران نباشید و با قوت این وحی الهی را دریافت کنید.؛

طبق آیات قرآن وحی دفعته بر پیغمبر آمده، ولی این که حضرت جبرائیل می آمد و به نبی مکرم آیات را عرضه می داشت، از این جهت بود که می گفت الان آن آیه را باید بگویی. لذا این گونه نبود که آیات اول به حضرت جبرائیل آیات نازل شود و بعد به پیغمبر آیت الله فرهی نیز در مورد فرازهای اولیه سوره علق می گوید: طبق آیات قرآن وحی دفعته بر پیغمبر آمده، ولی این که حضرت جبرائیل می آمد و به نبی مکرم آیات را عرضه می داشت، از این جهت بود که می گفت الان آن آیه را باید بگویی. لذا این گونه نبود که آیات اول به حضرت جبرائیل آیات نازل شود و بعد به پیغمبر. اگر این طور بود که برعکس می شد؛ یعنی جبرائیل مقامش بالاتر می شد! آن هم آیاتی که قرآن می فرماید اگر این آیات بر جبرائیل نازل می شد؛ لَرَأَيْتُهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا؛ وی ادامه می دهد: از خود؛ یا قرآن؛ یا اسم ریکَ الَّذِي خَلَقَ؛ لذا همه این ها قبلاً بر قلب نازنین نبی مکرم آمده است. پیامبر اشرف همه انسان ها و همه انبیاء است. اگر کسی تصور کند قرآن اول بر جبرائیل نازل می شد، اشتباه است؛ یعنی اول جبرائیل باید خبر را بداند، بعد پیامبر! اصلاً این صحیح نیست و با آیات الهی ارتباط ندارد. لذا آیات الهی دفعته بر پیامبر نازل شده و بعد وحی که می آمد، بیان می کرد این آیه را بخوان. من با ادله می ای هم که عرض کردم در باب نوع وحی، بر این نوع وحی قائل و مصر هستم و بنده غیر از این چیز دیگری را ندیدم چون انسان اشرف مخلوقات است.